

سیاسی

پادداشت

افغانستان پس از ظاهر شاه



احمد زیدآبادی

روزنامه‌نگار و فعال سیاسی

محمد ظاهرشاه به مدت ۴۰ سال با سیاست موازنهٔ مثبت، افغانستان را تقریباً با آرامش اداره کرد. در سال ۱۹۷۲ سردار محمد داود خان پسر عموی ظاهر شاه، به کمک کمونیست‌های حزب دمکراتیک خلق، کودتایی بدون خونریزی علیه پادشاه به پا داشت و با تبعید او به ایالتیاد، در افغانستان اعلام جمهوری کرد و خودش رئیس‌جمهور آن کشور شد. داود خان به تدریج از کمونیست‌ها و اتحاد شوروی فاصله گرفت و در نتیجه در سال ۵۷ خورشیدی با کودتای حزب دمکراتیک خلق روبرو شد. حزب دمکراتیک خلق نام کودتای خود را «انقلاب‌تور» گذاشت و داود خان را به اتفاق تمام اعضای خانواده‌اش از آرگ ریاست جمهوری قتل‌عام کرد. بدین ترتیب، کمونیست‌ها به رهبری نور محمد ترک‌گی بر افغانستان حاکم شدند، اما به سرعت بین دو شاخهٔ خلق و حزب مردمی دمکراتیک اختلافات عمیقی بروز کرد. در جنگ قدرتی که بین رهبران شاخه‌های حزب دمکراتیک صورت گرفت، نهایتاً فقط…امین باحرکتی کودتایی، بر افغانستان مسلط شد و دستور خفه کردن تره‌گی را صادر کرد. فقط…امین که تندترین رهبر حزب دمکراتیک بود، برنامه‌های رایلی‌کار را که با فرهنگ سنتی جامعهٔ افغانستان فاصلهٔ بسیار داشت به اجرا گذاشت و چون با مقاومت مردم عامی روبرو شد، استفاده از زور را دستور کار خود قرار داد. در واقع شورش‌های مردمی که از همان زمان به قدرت رسیدن تره‌گی آغاز شده بود، با قدرت رسیدن امین ابعاد گسترده و غیرقابل کنترلی یافت.لنویتدر برزنفترهبر اتحاد شوروی به عنوان پشتیبان اصلی حزب دمکراتیک خلق، امین و برنامه‌های او را مغایر سیاست خود در افغانستان دید و او را به عنوان یک کمونیست شورشی علیه شوروی به حساب آورد. در همین روز، روس‌ها عمدتاً برای رهایی از شر فقط…امین به افغانستان لشکر کشی کردند و با حذف او از قدرت، تیرک برگ کارمل را که کمونیست میهن‌روی بود، به جای بر صندلی قدرت نشاندند. هجوم ارتش سرخ به افغانستان امکان‌ناگه ای قبیح آمریکا، متحدش را در سراسر جهان برانگیخت. در این میان رونالد ریگان، رئیس‌جمهور آمریکا اشغال نظامی افغانستان را فرصت مناسبی برای تدبیر تشریف‌آورد و با تفاق ارتش سرخ مشخص داد و به پار ی نیروهای ضد کمونیست در افغانستان برخاست. متحدان منطقه‌ای آمریکا بخصوص مصر و عربستان و پاکستان نیز به این کارزار پیوستند و از اسلام‌گرایان افراطی برای مهاجرت به افغانستان به منظور «جهاد» علیه کمونیست‌ها راه‌هموار کردند. چین و ایران هم به نوبهٔ خود به این ماجرا یاری رساندند و از کمک به مبارزه علیه شوروی دریغ نکردند. در نتیجه هفت گروه عمدتاً جهادی سنتی به همراه همان جهادی خوداز سراسر جهان اسلام، میدان دراز مبارزه با ارتش سرخ در افغانستان شدند و بی‌تک‌رنگ وارد کردند به طوری که در نهایت میخائیل گورباچف توان تحمل این وضع را در خود ندید و تصمیم به ترک افغانستان گرفت.توان امید که محمد نجیب‌اب، رهبر شاخهٔ پرچم حزب دمکراتیک با سیاست «اشتی ملی» امکان ادارهٔ افغانستان را پیدا کند، سیاست اشتی ملی نجیب‌اب، موفقیت‌های مردمی به دست آورد اما «مجاهدان افغان» از از اشتی باو دور نماندند و با ادامهٔ حملات خود در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲ به کنار کم‌گری از قدرت وادار کردن پیمان دوستی هفت گروه مجاهد افغان بر اساس توافقنامه‌ی هر کابل مسلط شدند تا رهبران آنها قدرت را به‌نوبت دست به دست کنند. آنها اما هم‌کار نماندند و به تعهدات خود پایبندی نشان ندادند و با یکدیگر وارد نبرد شدند که نتیجهٔ آن تشکیل یافتن بخشی از تفکراتترین لایه‌ها در سرانجام حمایت سازمان اطلاعات ارتش پاکستان تحت عنوان طالبان برای علیه بر تمامی خاک افغانستان بود.. در واقع قسهٔ افغانستان سرس‌زاری دارد. این کشور پس از کودتا علیه داود خان روزی نایاب به خود ندیده است. نزاع بین پایان گروه‌های سیاسی در کنار مقابلهٔ تند و تیز با مناسبات حکومتی و سنتی و مقاومت به دورۀ حاکم‌ترب برخی کمونیست‌ها و به‌خصوص استفاده از زور برای تغییرات سریع فرهنگی و اجتماعی، یکی از عوامل بلایی است که بر سر افغانستان آمده است.

دیدگاه

طالبان؛عدم انطباق با نظام بین المللی

ادامه از صفحه اول
مثل خنذرن بودن و تلاش برای به اجرا در آوردن تمامی احکام شرعی و –و از طرفی به وجود آوردن زمینه ترک زوری نیروهای تورپستی در افغانستان، تاوجه به اینکه طالبان یک گروه شورشی محلی است و برخلاف داعش در افغانستان شعباتی در جهان ندارد که گر گروه‌ای زورپسند و خطرناک باشد، درجه اول، می تواند به آن سمت و سوی اولیه خود حرکت کند ولی به نظر می رسد سمت و سوی دوم به واقعیت بیشتر نزدیک باشد و در پیامهایی که رهبران اشرف طرف زوهای گذشته مطرح کردند، عاقل‌مندی هستند که افغانستان را به کشوری مستقل در آورند و در ترقی و پیشرفت آن در افغانستان فراهم و جذب سرمایه‌نگاری خارجی کنند و دست از اقدامات تروریستی خود بردارند و به سمت ایجاد ارتباط با تمامی المللی بروند و یک نوع تغییر در نگرش‌های مذهبی شان هم ایجاد کنند در غیر این صورت آمریکا از اینکه باخوانا محو شرعی اجرا ارتکاب می یابند بیخود همان طور که ما پذیرفته که احکام شرعی اجرا می شود و برای خلم‌ها و آزادی‌ها محدودیت‌هایی ایجاد شده است، بنابراین برای آمریکا مهم است که بتواند موضوع را آرام کند. اما طالبان در مورد رابطه با ایران اگر بخوانند دوست از انتخاب کنار آمدن با آن است که در این کشور به حدی باشد، اما می تواند یک دوست امن‌تراش باشد. به همسایگی مان باشد همان طور که عراق هم نبوده. اما مقامات ما دلخوش از اینکه آمریکایی‌ها از افغانستان رفته‌اند، هستند که کافی نیست و یک طرف قضیه است. طرف دیگری مان که طالبان بتوانند مرزهای شرقی ایران را قطع فشار و از آزار قرار دهد، به همین دلیل این است که طالبان به حدی که به‌بینیم شرایط چگونه می شود و چه سمت و سویی حرکت می کند طالبان چه جلوه‌ای از خود به نمایش می گذارد و از این‌روست که مقامات ما اظهار نظرهای مستقیم در مورد طالبان کرده اند، طالبان تلاش می کند که بتواند یک مشروعیت داخلی و بین المللی به‌دست آورد و احتمال دارد که بتوانیم با طالبان در آینده نزدیک به عنوان دولتی مستقل که اگر چه ممکن است نام امارت اسلامی داشته باشد که ما هم خیلی کمتر از امارت اسلامی نیستیم، روابطی داشته باشیم. آنچه به عنوان نتیجه می توان گرفت اینکه طالبان باید اجبار از رفتارهای خشن، آزار عمومی و تنگ‌نظری علیه فاصله بگیرد و به عنوان یک نهاد سیاسی با قوانین بین المللی آشنایی بیشتر و روابط نزدیک‌تری برقرار کند.

نگاه

پایان اشرف غنی و آینده افغانستان

ادامه از صفحه یک
اینگونه بود که طالبان با وجود عدم برتری نظامی، به راحتی شهرهای افغانستان و بالاخره کابل را تصرف کردند. در این عرصه، مردم افغانستان که دل خوشی از اشرف غنی نداشتند و دیگر گروه‌های قومی که رئیس‌جمهور افغانستان افرادی ضعیف‌النفس و سوسریده آمریکا می‌دانستند، فقط به تمناهای پیشرویی طالبان بسنده کردند. نتیجه حضور نظامی آمریکا و ناتو در افغانستان، قرار رئیس‌جمهور فلولوین این کشور و تسلط طالبان بر افغانستان بود. این حضور، افغان‌ها را کم‌سوی و با اقوام مختلف که هیچ کدام حائز اکثریت مطلق نیستند، دوران پیچیده و حساسی را طی می‌کند. تردیدی نیست که طالبان، بخشی از اقوام افغانستان هستند و نمی‌توان سهم آنها را در روند تشکیل دولت آینده تکرار کرد. نباید فراموش کرد که این طالبان بر خروج نیروهای خارجی از افغانستان و اقدام عملی این گروه علیه طالبان، بیگانه، بدهکار و تامل‌گرا نیستند. خروج آمریکا و ناتو از افغانستان بود. در عین حال، اقوام و گروه‌های دیگر از جمله تاجیک‌ها، شیعیان هزاره و ازبک‌ها نیز باید در سر نوشت آینده سهم بسیم شوند تا صلح عادلانه و پایدار ممکن گردد. نباید می‌جهادت این گروه‌ها در مقابله با اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی را نیز فراموش کرد. بین المللی خواهد بود. در این شرایط مناسب است ایران و دیگر کشورهای منطقه به فعالیت‌های میامیچگیرانه خود ادامه داده و خیر خواهانه به ایجاد یک افغانستان مستقل، با ثبات و آباد کمک نمایند.

آرمان ملی

ابوالفضل هوند، سفیر پیشین ایران در افغانستان در گفت وگو با «آرمان ملی»:

صدای مردم افغانستان

دیگر شنیده نمی‌شود

جان مردم در افغانستان در خطر است

طالبان قرار نبوده نابود شود

نیروهای تکفیری «رزرو» هستند

در چند روز اخیر هیأت‌هایی از افغانستان و طالبان به

دو‌حه فر ستاده شدند. آ‌ی می‌توان منتظر تغییری در نتیجه این مذاکرات بود؟

پیشتر توافق بین آمریکا و طالبان صورت گرفت و حلالینیز مذاکراتی با واسطه‌گری قطر در حال دنبال شدن است. نشست سه روزهای نیز داشتند که بدون حضور ما و با حضور جناح‌ها در گبر با مسائل افغانستان یعنی آمریکا، چین، روسیه، پاکستان و کشورهای عربی تشکیل شد، اما به نتیجه خاصی هم نرسیدند. حال‌ها هم کابل سقوط کرده است و طالبان به آن وارد شده‌اند، خود را در قدرت می‌بینند و باید دید ادامه این روند چه اتفاقی را رقم خواهد زد. آمریکایی‌هایی که این شرایط را شکل دادند، باید پاسخگو باشند که چرا کار به اینجا کشیده شد. همچنین باید پاسخگو باشند که زین پس چه نقش و وظیفه‌ای در قبال این ملت شوربخت خواهند داشت؛ ملتی که به آمریکا و غرب امید بسته بودند تا برای آن‌ها کاری کند. این نتیجه، سرانجام امید بستن به آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و ناتو بود.

اساسا اقدامات اخیر طالبان را چون انتشار بیانیه‌های با مضمون تغییر در رفتارها بر مردم و اتخاذ برخی تصمیمات دیپلماتیک، موثر در بقای آن‌ها در افغانستان می‌دانید؟

ماندن طالبان در قدرت وابسته به نوع رفتار آن‌ها خواهد بود. برخی معتقد هستند طالبان تغییر کرده است اما برخی اعتقاد دارند آن‌ها با طالبانی که در سال ۲۰۰۱ م ترکب چنان جنایات‌های شد تفاوتی نکرده است و ماهیت یکسان دارد اما تنها دیپلمات‌تر برخورد میکند. به هر حال در حال حاضر جامعه جهانی و منطقه با بده‌بای به نام افراد اسلامی مواجه هستند. از دید مردم و اصلا دولت موقت تکبر موضوع مطرح نیست. سرچاله شاید آقای عبدا…عبدا… با کنار گذاشتن اشرف غنی این را پیشنهاد کند اما حالا شرایطی نیست که طالبان تنازل را بپذیرد چرا که خود را طرف پیروز می‌داند. همچنین کشورهایی که از طالبان حمایت می‌کنند مانند عربستان، ایران و پاکستان در موضع حاضر هستند. باید منتظر ماند دید که نتیجه تصمیمات میان آمریکا، انگلیس، پاکستان و عربستان چه خواهد شد. اما در این میان حتی پاکستان هم یک متغییر وابسته است و قادر نیست خود تصمیم بگیرد. باید بلکه با این صحنه از این استفاده می‌شود و از سوی دیگر بسیار دور از ذهن است که مردم افغانستان، خصوصا در شهرهای بزرگ و مراکز ولایت‌ها، به چنین رژیم سیاسی تن بدهند که طالبان قصد دارد به آن‌ها تحمیل کند. اما باید در نظر داشت که بازیگران منطقه‌ای سناریو جدیدی از کلید زده‌اند و به‌عید است اگر طالبان بتوانند امارت اسلامی را در کابل مستقر کنند، در کمتر از سه یا چهار سال سقوطی در مناطقی از افغانستان داشته باشد، چرا که مردم باید برای مقابله با طالبان ایزاری داشته باشند، اما به کسی و جایی نمی‌توانند پناه ببرند. آن‌ها با فرامین ارتشی وجود داشت که از سوی آمریکایی‌ها سازمان یافته بود و با فرامین صادر شده از پشت پرده و فرماندهانی واسطه‌ای که داشتند مانع از مقاومت شدند، یعنی ۲۵۰هزار نیروهای نظامی مسلح و مجهز در برابر نهایتاً ۸۰ هزار طالبان یا برهنه که تنها مجهز به یک کلاشینکف و موتور سیکل بودند. این نشان می‌دهد آمریکاییان دروغ گفته بودند و حضور آن‌ها در افغانستان برای فراهم کردن آرامش، صلح، مدرنیته و پیشرفت برای مردم نبوده، بلکه اهداف دیگری داشتند و حالا هم همان اهداف را در قالب طالبانیزه کرده‌اند.

آمریکا در طول این دو دهه دستاوردی در افغانستان به جا گذاشته است؟

باید برپرسید طالبان را چه کسی به صحنه آورد؟ کدام کشور به آن‌ها مشروعیت بخشید؟ کدام کشور به جز آمریکا با حضور طالبان موافقت کرد؟ در این ۱۸ ماه یک سرباز آمریکایی کوچکترین آسیبی ندیده است در حالی که هزاران نفر از مردم نظامی و غیر نظامی کشته شدند و افغانستان شاهد بیش از ۲۰۰۰۰ کُرد کشته و مجروح بوده. در این وضعیت مردم در حال حاضر دچار سرگشگی هستند، آنچه به آن‌ها نوید داده شده بود دروغی بیش نبود. مدرنیته برای آن‌ها جز ناوختن موسیقی و رقصیدن دیگر نمانده‌ای. توسعه و امنیت بایدار بدست نیارند. در اصل این موارد است که مفهوم درست آزادی هستند. همین حالا اگر که کشورهای درای کارا نیب هم برپوشد افراد در برهنه خواهند بود اما آزادی چنین نیست.

آرمان ملی – از آینده سیاسی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام گزارش می‌کند:

مجلس فر ستاده تا نرافات جدیدی سکندار وزار تخانه‌های مختلف در دولت باشند. البته تغییراتی به همین‌جا محدود نشده و با انتخاب رئیس به ریاست‌جمهوری، حجت‌الاسلام محسنی‌ا‌زای جایگزین وی در مقام ریاست قوه قضائیه شده است. در همین راستا نیز حجت‌الاسلام صدیق به‌مقام معاون اولی رئیس قوه قضائیه منصوب شد. لذا روند تغییرات نشان می‌دهد همچنان باید در سطوح مختلف در قوا، دستگاه‌ها و نهادهای انقلابی نظامی تغییراتی باشیم. چنانکه اگر گناهی به کابینه معرفی شده رئیس‌جمهور بیندازیم به وضوح می‌بینیم افراد انتخاب‌شده بعضا در حال حاضر در جایی مشغول به کار هستند و اگر بخوانند وارد دولت شوند قطعا باید از سمت قبلی خود استعفا دهند. به‌عنوان مثال سردار احمد وحیدی وزیر پیشینهای کشور عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیداحسان خاندوزی وزیر پیشینهای اقتصاد و سیدجواد ساداتی نژاد وزیر پیشینهای جاد کشاورزی نیز نماینده مجلس یازدهم هستند و برای حضور در کابینه باید از سمت‌های خود استعفا دهند. در این بین به نظر می‌رسد تغییرات دیگری نیز در راه است و پس از صحبت‌های اخیر رئیس‌جمهور مبنی بر انتخاب استاندار ویژه برای دو استان خوزستان و سیستان و بلوچستان گمانه‌زنی‌ها بی‌پروان این مساله به‌جایی رسیده که برخی مطرح می‌کنند احتمالا محسن رضایی به خوزستان و سعید محمد به سیستان و بلوچستان خواهند رفت. حال باید دید با شیب تند تغییرات در آینده شاهد چه تغییراتی را در کدام سطوح خواهیم بود.

تغییرات دستگاه‌های مختلف

تغییرات در سطوح مختلف انجام می‌گردد و با پایان کار یا جابه‌جایی برخی افراد در پست‌ها و سمت‌های مختلف جایگزین‌هایی برای آنها انتخاب و منصوب می‌شود. این روند در همه دستگاه‌ها و نهادهای مرسوم بوده و به‌رال طبیعی و عادی اتفاق می‌افتد و جز تازیه‌ای نیست. چنانکه از چندی پیش شاهد تغییرات بسیار در مجموعه‌های مختلف بوده‌ایم؛ تغییراتی از جنس مدیریت اجرایی، قضایی و… که طی آن حسن روحانی جای خود را به سید ابراهیم رئیسی داد و چهارهی‌های مثل محمد مخبر، غلامحسین اسماعیلی و مسعود میر کاتلمی جایگزین اسحاق جهانگیری، محمود واعظی و محمدباقر نوبخت شده‌اند و رئیس‌جمهور جدید نیز لیست کابینه دولت

armanmeli.ir

سه شنبه

۱۴۰۰ • ۰۵ • ۲۶

سال چهارم

شماره ۱۰۸۶



آرمان ملی – نرگس کارخانه‌ای: بنابر آنچه به نظر می‌رسد باید حضور طالبان را به عنوان قدرتی که حکومت بر افغانستان را در دست دارد پذیرفت. فرار و غم مردم از این حمله و حضور در بی‌ان‌نشان از تغییر افغانستان و مردم آن دارد. مردمی که پیش‌بینی نمی‌شود چندان طالبان را تاب آورند اما همین مردم بودند که ورود دوباره طالبان را هم نپذیرفتند اما خواسته آن‌ها در میان تصمیمات جهانی گم شد. در خصوص وضعیت دقیق تر افغانستان، تاثیرات دیگر کشورها و آینده این کشور «آرمان ملی» به گفت‌وگو با ابوالفضل ظهر هوند، سفیر پیشین ایران در افغانستان در ادامه می‌آید.

آزادی یعنی فرد بتواند خودش را و سبک زندگی اش را به درستی تنظیم کند و سازمان دهد و بتواند نسبت به پایداری تمام آن‌ها مطمئن داشته باشد. اصلا چنین چیزی در افغانستان جاری نیست، مردم شب‌نامی‌نابندند. فردا چه بر سرشان خواهد آمد.

بنابر این مردمی که مخالف حضور طالبان در افغانستان هستند و از این حضور آسیب می‌بینند چه راه نجاتی دارند؟

در افغانستان بحث جان افراد مطرح است. در شرایط دموکراتیک اعتراضاتی وجود دارد که برای مثال نسبت به ساعت کار، سبک زندگی یا حقوق و دستمزد هستند، اما در افغانستان جان و بقاء افراد در خطر است و چنین شرایطی برای زنان و مردان متفاوت نیست، مردان مجبورند ریش بگذارند و زنان هم مجبورند چادری به آن شکل مرسوم طالبان سر کنند. این کشور در حال حاضر به هیچ‌وجه مثل ترکیه، لندن و تهران نیست، حالا با شاهد بودن پدیده‌ای به نام طالبان در منطقه اگر افراد ذرا‌ی از این امور و قوانین تحققی کنند، طالبان حد مورد نظر خود را بر مردم اجرا خواهد کرد و از همین رو است که افراد حتی برای خروج از خانه خود ترس دارند. در چنین شرایطی به هیچ چیزی نمی‌توانند اعتراض کنند و اساسا کاتال اعتراضی برای آن‌ها وجود ندارد. حالا باید پرسید آمریکاییان، اروپاییان، رسانه‌ها و خبرنگاران آنها کجا هستند؟

جایگاه آمریکا و غرب در حال حاضر در افغانستان چگونه است؟

نکته‌ای که نباید فراموش کرد اقدامات آقای ولیم برنزا است که در حال چرخاندن صحنه است. علت حضور ژنرال چهار ستاره در کابل بسیار جای سوال دارد. در حال حاضر تعداد زیادی از نیروهای نظامی افغان وجود دارند که هم تابعیت آمریکا را به آن‌ها داده‌اند و هم کارمند سی‌ای‌ای هستند. آنها ۱۸ هزار نیرو دارند که می‌تواند طالبان را به کلی نابود کند، اما آن‌ها هلاک به دنبال این اهداف پیشینند. آمریکا یابن به دنبال تغییر نقش ژئوپلیتیک و معادلات داخلی افغانستان هستند. آنها به افغانستان نیامده تا زوری بروند، تنها شکل بازی تغییر کرده است، تغییری که به ضرر ملت بی‌گناه افغانستان تمام می‌شود. در این میان طالبان اصلا مطرح نیست و مساله اصلی، آمریکا است چرا که مواردی چون طالبان تنها یک متغیر وابسته هستند و در حال حاضر ماشین‌های نظامی ارتش آمریکا زبر پای طالبان قرار گرفته است و ما شاهد یک دور جدیدی از تحولات در افغانستان هستیم که این بار با بازیگری طالبان و گروه‌های تکفیری همراه است.

چرا هرگز در طی این ۲۰ سال طالبان نابود نشد؟

هستند افرادی که آشنا به مسائل ژئوپلیتیک، سیاسی و بین‌الملل نیستند و شعار می‌دهند «هنه غزه، نه لبنان» چنین چیزی را بخواند چون دنبال آن است که این دست شعارها باشند. ما در سوریه و عراق، در نتیجه دعوت خود این کشورها، حضور پیدا کردیم و اگر افغانستان هم از ما دعوت می‌کرد کمکی را از آنها دریغ نمی‌کردیم، اما آنها مسیر دیگری را با غر ب پیش گرفتند. حتی امروز دیگر افغانستان قابل مقایسه با سوریه و عراق نیست. افغانستان بر سرمایه داخلی خود قرار گرفته و یک شرایط متفاوت پیدا کرده است. در این میان طالبان هم سرمایه پاکستان است – در حال حاضر ۱۵ میلیون نیروی نظامی وجود دارد که در مداراس سابق عربستان در پاکستان درس خواندند و آموزش دیدند، گرچه نمی‌توان گفت درس خواندند بلکه همین رفتارهایی که از آن‌ها می‌بینیم را آموزش دیده‌اند. حال‌ا از این افراد در کجا باید استفاده کنند؟ اینها سرمایه‌های پایدار هستند. سرمایه پایدار برای منافع فردی و برای دسترسری به منابع لایزال افغانستان افغانستان یک گنج است، منابع تمام ایالت متحده آمریکا را اگر جمع کنیم به اندازه افغانستان می‌شود. افغانستان قدرت عظیمی است که دارای تمام منابع است، مانند پتیرن موقعیت ژئوپلیتیک، پتیرن هم در میان طلا، نقره، الماس، نفت، گاز، لیتیوم، منیزیم، اورانیم، مس، زغال سنگ و… مهم‌تر از این منابع افغانستان مردم سلاجشوری دارد که توانستند اتحاد جماهیر شوروی را شکست دهند، خود دارای او مجاهدان بسیار بودند اما حالا به این وضع وارد شده‌اند که حتی به گذشته خود نتوانستند افتخار کنند و به آمریکا وابسته شدند. روسیه و پاکستان زمانی از افغانستان می‌ترسیدند و وارد این کشور نمی‌شدند اما امروز افرادی به راحتی از جاده‌های صاف وارد شده‌اند و کل کشور را گرفته‌اند. این نتیجه اعتماد به آمریکا و انگلیس می‌کنند تا آن‌چیزی که خود می‌خواهند برهنه خواهند بود.

برخی توقع داشتند خود مردم افغانستان در برابر طالبان ایستادگی کنند، آیا پیشروی سریع طالبان به‌رغم مقاومت مردم بود؟

مقاومتی نبودنی از سوی مردم نبود. علت اینکه مردم در این دوره به خانه‌ها رفته و به سمت طالبان و نیروهای دولتی گرایشی نداشتند این بود که از آن‌ها بریده بودند و هیچ‌کس حاضر نبود برای عبدا…عبدا… و اشرف غنی نخون و جان بدهند. بخشی هم در مقامات ولایت‌ها پولی نداشتند و بخش دیگری هم چنین چیزی را بخواند چون دنبال آن است که این وضعیت را به وجود آورند و مردم هم نظاره کردند و تنها فکر حفظ جان خود بودند، البته متأسفان از اعتماد به وعده‌های غرب. باید بدانیم غرب نیامده است تا در اینجا مدلی چون اروپا بسازد بلکه آمده تا با سوءاستفاده از کشورهای اروپا را سرپا بیاورد. وضع اقتصاد آمریکا و غرب خوب نیست و بدتر نیز خواهد شد. غرب مسائلی با ایران، چین و روسیه دارد و به دنبال توقف این کورهاست در نتیجه زمین‌های سوخته درست می‌کنند تا آن‌چیزی که خود می‌خواهند برهنه خواهند بود.

را به‌جفت آشنایی با خوزستان و اینکه این منطقه زادگاه اوست به‌عنوان گزینه احتمالی برای استناداری ویژه خوزستان مطرح کرده‌اند. چنانکه چندی پیش علی قلیقچي، فعال سیاسی اوصلرگا اعلام کرده بود محسن رضایی قرار است نماینده ویژه رئیس‌جمهور و استاندار ویژه خوزستان شود. در همین خصوص برخی رسانه‌های دیگر هم چنین گمانه‌زنی‌هایی را مطرح کرده و از احتمال حضور رضایی در خوزستان با اختیارات وسیع استقبال کرده‌اند. در این رابطه با فاد اظهار رویکردها و اظهار نظرهای محسن رضایی مشخص بود که درصده‌اش سابق سیاه و دبیر ۲۴ساله مجمع تشخیص مصلحت نظام و رقیب ابراهیم رئیسی در انتخابات هیچ‌وقت خودش را ذایل دولت یازدهم قرار نخواهد داد. چنانکه وی چندی پیش در توییتری آورده بود: «به شایعات فراقلمی این روزها توجه نکنید. هرهم سوال کردند که نظرت برای آینده چیست؟ بنده نیز گفتم من سرباز جنابعلی هستم، هر جایی که شما ماوریت بدهید به آن عمل می‌کنم.» همین مساله باعث شد توجهات از حضور او در استناداری ویژه خوزستان به نقطه دیگری متعطف شود. با نگاهی به تغییرات اخیر در برخی نهادهای انقلابی به‌راحتی می‌توان به این نتیجه رسید که اکنون ستاد اجرایی فرمان امام با خلأ رئیس‌مواجه است. چنانکه پس از عزیمت محمد مخبر از ستاد اجرایی فرمان امام به‌استانور و قرار گرفتن در مقام معاونت اولی رئیس‌جمهور گمانه‌زنی‌های بسیاری در خصوص جایگزینی در ریاست این ستاد مطرح شده اما آنچه مشخص است پیش از هر کسی این محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص است که به‌ریاست ستاد اجرایی فرمان امام (ره) نزدیک شده است. محسن رضایی اقتصاد خوانده و سابقه مدیریت در جنگ هشت‌ساله دارد. در سمت دبیری مجمع تشخیص مصلحت‌نظام سال‌ها را وی بحث آمایش سرزمین و اسناد بالادستی مانند سیاست‌های کلی نظام کار کرده می‌توان امیدوار بود حضور او به‌تحوالات ستاد اجرایی فرمان امام و هدف اصلی آن؛ یعنی محرموتی و فقرزدایی در سنجش رضایی در مصلحت‌نظامی و مصلحت‌های انتخاباتی خود گفته بود. عدالت و فقرزدایی برای تحقق، احتیاج به برنامه و کارهای عظیم دارد. طری‌حی که من برای رفع محرموتی در زندگی مردم در پیش گرفته‌م، طرح کلیات زندگی ما ایران بدون فقر تمام دارد. ستاد اجرایی فرمان امام زمین بازی خوبی است تا او ادعاهایش را به محک آزمایش بگذارد.

فرارو

ابوالقاسم رفوفیان:

انجام میان اعضای کابینه

نابیده گرفته شده است

دبیرکل حزب اسلامی ایران زمین در خصوص پیش‌بینی خود از اعتماد مجلس به رئیس‌جمهور و وزرای پیشنهادی او، اظهار کرد: البته وظیفه مجلس اعتماد به لیست پیشنهادی آقای رئیس‌جمهور نیست؛ مبنای تصمیم‌گیری مجلس برسی کارنامه و برنامه‌های وزرای پیشنهادی در کمیسیون‌های تخصصی و سپس در سایر کمیسیون‌ها و نهایتاً در صحن مجلس است که پس از نطق موافقان و مخالفان و دفاع، ممکن است تمام لیست از مجلس رای اعتماد بگیرد، ممکن است برخی وزرای پیشنهادی رای اعتماد نگیرند. پس مبنای تصمیم‌گیری مجلس نمی‌تواند اعتماد به لیست پیشنهادی باشد. ابوالقاسم رفوفیان گفت: اگر مجلس به بعضی وزراء رای اعتماد ندهد، معنایش عدم اعتماد به شخص رئیس‌جمهور نیست، معنای آن عدم اعتماد به توانایی‌ها و برنامه‌های وزیر پیشنهادی است که در بررسی‌های همه‌جانبه به آن رسیده‌اند. وی افزود: با توجه به توصیه‌های مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه این دولت باید هر چه زودتر شکل بگیرد و با توجه به شرایط بسیار حساس کنونی، رئیس‌جمهور محترم در هفته اول لیست را پیشنهاد داد و نگذاشت به هفته دوم کشیده شود. مجلس باید کار بررسی را هر چه سریع‌تر انجام دهد که البته با دقت هر چه بیشتر یعنی مجلس هم سرعت عمل در این خصوص به خرج دهد و دقت عمل و با خدمت‌گرفتن این دو مؤلفه به تصمیم برسد. نایب رئیس جبهه پیشرفت رفاه و عدالت اضافه کرد: امیدواریم نمایندگان محترم نهایت دقت را همراه با سرعت به خرج دهند و بر اساس شایستگی‌ها و در راستای حاکمیت شایسته‌سالاری در رای اعتماد بدهند، ملاحظاتی را کنار بگذارند و جز به تأمین مصالح کشور و منافع ملی به چیزی فکر نکنند. هیچ مصلحتی امروز بالاتر از مصلحت مردم است. حاکمیت شایسته‌سالاری در نظام مدیریتی و حکمرانی کشور، مخالفت نیست باید در فضای کاملاً آرام، به دور از حب و بغض و هر چیز از هرگونه نگاه جناحی و سیاسی، صرفاً با توجه به شایستگی‌ها و لیاقت‌ها، تخصص و کارآمدی دست به انتخاب بزنند. وی عنوان کرد: مخالفت با شمی نباید موجب دخالت در در صلاحیت و تأیید صلاحیت و عدم رای اعتماد و پارای اعتماد به وزراء شود آنچه که باید نماینده‌ها را به تصمیم برساند، شایستگی‌ها و لیاقت‌ها و کارنامه و برنامه‌های هر یک از وزرای پیشنهادی است. در زمان ادوار جامعه اسلامی فرهنگیان کشور و عضو مؤسس این تشکل فرهنگی سیاسی صنفی در ازبایی‌ها فهرست پیشنهادی رئیس به مجلس اذعان کرد، متأسفم که به‌گویم فاصله بین آنچه اتفاق افتاد با آنچه شده داده شده بود. قابل توجه این است که لیست آنچه که باید می‌بود، نیست در این ترتیب فرضی بهترین اصل یعنی شایسته‌سالاری نادیده گرفته شده، انجام بی‌اعتمادی تیم پیشنهادی از سوی رئیس‌جمهور که شرط لازم موفقیت در کار تیمی است، تاحدی نادیده گرفته شده است، از وجود برخی ویژگی‌های بسیار مهم همچون بلوغ اجرایی در برخی وزرای پیشنهادی به ویژه وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش که حتی تجربه اداره یک ناحیه آموزش و پرورش را هم در کارنامه خود ندارد، خبری نیست؛ این انتخاب که جامعه فرهنگی به ویژه معلمان کشور را شگفت‌زده کرد به دور از رویکرد جامع‌گرایانه رئیس‌جمهوری بر موضوع معرفی وزیر برای بهترین و راهبردی‌ترین وزار تخانه کشور است. وی افزود: اداره مدارس کشور به سبک زاین وقتی جواب می‌دهد که سایر بخش‌های جامعه کم‌کردن فاصله حقوق معلمان همین‌چون زاین باشد که فاصله بسیار نزدیکی با حقوق نخست‌وزیر این کشور دارد. به‌اعتقاد رفوفیان از جمله شرایط لازم در اداره امور کشور هم‌افزایی، هماهنگی، تعاون بین وزرای کابینه است و به ویژه وزرای بلوک اقتضایی با هم و بلوک فرهنگی با هم و همه باهم یکپارچه در خدمت مردم. دبیر کل حزب اسلامی ایران زمین تأکید کرد: دانش، بینش، تجربه و توان در صورت داشتن آماجگی برای پذیرش مسئولیت از سوی کسی که مسئول کاری می‌شود، می‌تواند موفقیت در اجرا را در بی داشته باشد و هر آن کسی که فاقد کاتقوت مهمی از این ویژگی‌ها باشد و مسئولیتی را بپذیرد، فقد خان… و رسوله و المسلمین. وی تأکید کرد: آماجگی حزب اسلامی ایران زمین و همه باهم اسلامی فرهنگیان به دبیر کل علی کریمی فیروزجایی که در کسوت نمایندگی و عضو هیأت رئیسه مجلس است را با دولت و رئیس‌جمهور محترم اعلام داشته و از هیچ کشورش فروگذار نخواهیم کرد.

جستار

رای اعتماد بدون رفاقت‌های سیاسی

ادامه از صفحه اول

و شاید در بین افراد کابینه نتواند رسالت خود را به خوبی اجرا کند. متأسفانه آموزش و پرورش در اولویت اول نبوده است و این ضعف در تمامی دولت‌ها وجود داشته است. باید توجه داشت تا زمانی که معضلات حوزه آموزش و پرورش حل نشود، در سایر حوزه‌ها نیز با مشکلاتی روبرو خواهیم بود. گزینه پیشنهادی وزارت آموزش و پرورش یکی از افرادی است که در روزهای آتی در مجلس با چالش‌های جدی مواجه می‌شود به طوری که حتی نتواند رای اعتماد مجلس را اخذ کند. مجلس یازدهم در برهه‌های حساس قرار گرفته است و باید به صورت تخصصی صلاحیت گزینه‌های پیشنهادی مورد بررسی قرار گیرد و رفاقت‌ها و رفاقت‌ها کنار گذاشته شود. باید تمامی زوایای یک‌ریز وزیر مورد بررسی مجلس قرار گیرد زیرا قرار است برای مدتی مسئولیت ارکان مهمی از کشور را در امریستاد بگیرند. از سوی دیگر مجلس باید توجه داشته باشد که تعداد قابل توجهی از افراد کابینه اشخاصی هستند که در برهه‌ای از زمان از مدیران دولت‌های مهم و مهم بوده‌اند و رئیس دولت‌های مهم قرار گرفته‌اند و رفاقت‌ها و رفاقت‌ها کنار گذاشته شده‌اند. این افراد نیز در این روزها شرایط خاصی دارد و شاید این افراد نیز درک بار مثبتی برای دولت ایجاد نکنند یا افکار آن‌ها موجب موانعی شود. این یک پدیده غالب است که تعدادی قابل توجه در دولت‌های مهم و مهم وزیر بوده‌اند و شاید این عرصه نیز با یک بازنگری داشته باشند.